

## تحلیل نظام روایی کنشی و تنشی در حکایتی از بوستان سعدی با رویکرد نشانه - معناشناختی

امید وحدانی فر<sup>۱\*</sup>، ابراهیم کنعانی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۴/۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۸)

### چکیده

سعدی در طرح کتاب بوستان برای بیان اندیشه‌های خود از حکایت‌پردازی استفاده کرده است؛ از این رو این کتاب در میان آثار او، از منظر داستان‌نویسی در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد. در این اثر، حکایاتی با ساختار و محتوایی نظام‌مند و پویا وجود دارد که با نظریه‌های ساختارگرایی و حتی پس‌ساختارگرایی روایی معاصر قابل انطباق هستند. یکی از آن‌ها حکایت «در تدبیر و تأخیر در سیاست» از باب اوّل است. این حکایت از منظر شخصیت‌ها، کنشگرها، کنش‌ها، خویشکاری‌ها، ارزش‌ها، تنش‌ها، انگیزش‌ها و حرکت‌ها حائز اهمیت است. این ویژگی‌ها ساختار حکایت را در ارتباط با گفتمان‌های کنشی و تنشی قرار می‌دهد که از دیدگاه نشانه - معناشناختی قابل تبیین است. در نشانه - معناشناسی، تعامل میان حوزه بیان و محتوا، بازی آزاد میان دال و مدلول و تعامل میان راوی و مخاطب از طریق واسطه‌هایی همچون گفتمان‌های عاطفی، زیبایی‌شناختی و ادراکی - حسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر، به شیوه توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین و بازشناسی روایت حکایت مذکور، نظام کنشی و تنشی این حکایت با رویکرد نشانه - معناشناختی بررسی می‌شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که

---

۱. استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول)

\*o.vahdanifar@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران

چگونه از درون نظام صرف تقابلی، نظامی تنشی و درهم‌تنیده زاییده می‌شود که بر روابطی طیفی و درجه‌ای مبتنی است و ویژگی پدیداری و هستی‌شناختی دارد. در واقع هدف اصلی مقاله حاضر تبیین چگونگی شکل‌گیری نظامی تنشی و ارزشی در درون نظام تقابلی و کنشی و در سایه فرایندهای ادراکی - حسی، عاطفی، تعاملی و هستی‌شناختی برپایه حکایت مزبور است.

**واژه‌های کلیدی:** بوستان سعدی، نشانه - معناشناسی، حکایت، کنشی، تنشی.

#### ۱. مقدمه

رویکرد نشانه - معناشناسی<sup>۱</sup> نتیجه تحول نظام ساختارگرا به پساساختارگرایی است. این تحول نشانگر قائل شدن به حضور ادراکی - حسی<sup>۲</sup> و زنده کنشگری است که می‌تواند رابطه میان پلان‌های زبانی را به هم بریزد و نقش‌های مختلفی به آن‌ها بدهد. با حضور ادراکی - حسی کنشگر، رابطه‌های جدیدی شکل می‌گیرد که ماهیت هستی‌شناختی<sup>۳</sup> و پدیداری<sup>۴</sup> دارند و این رابطه‌ها گفتمان را در وضعیتی پویا و سیال قرار می‌دهد. اما مسئله مهم این است که نظام‌های گفتمانی که از طریق متون ادبی تبیین می‌شوند، تابع چه سازوکار نشانه‌ای هستند و چگونه ساختارهای معمول گفتمان و روابط منطقی کنشگران را برهم می‌ریزند. برپایه این، پرسش‌های پژوهش از این قرار است:

- در حکایت مزبور، چگونه و متأثر از کدام سازوکار نشانه‌ای فرایند گذر از نظام کنشی به تنشی رخ می‌دهد؟

- این گذر چگونه نظام ارزشی را تغییر می‌دهد و کدام ارزش‌ها جایگزین می‌شود؟ هدف اصلی پژوهش پیش‌رو تبیین چگونگی گذر از فرایندهای کنشی به تنشی و شرایط شکل‌گیری ارزش‌ها در این بستر برمبنای حکایتی از بوستان است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد حضور کنشگران و شرایط ادراکی - حسی آن‌ها ساختارهای منطقی گفتمان را درهم می‌شکند و وضعیت دیگری را جایگزین آن می‌کند که بزرگ-

ترین ویژگی آن سیال بودن است. پویایی گفتمان نیز نشانگر حضور مؤثر کنشگران، تنش‌ها و ارزش‌های هستی‌شناختی در فرایند حکایت است.

#### ۱-۱. پیشینه تحقیق

از آنجا که آثار سعدی، از جمله بوستان، در شمار آثار گران‌بهای زبان فارسی محسوب می‌شود، تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد آن‌ها از منظرهای مختلف انجام شده است. در مقاله «بررسی ساخت کلان (چارچوب فکری) حکایات بوستان سعدی براساس رویکرد زبان‌شناسی صورت‌گرا» (رشیدی و انصاری، ۱۳۹۰)، ضمن تجزیه و تحلیل حکایات بوستان در سطح کلان، این نتیجه حاصل شده که سازه محوری و اصلی در ساخت کلان حکایات بوستان پند و اندرز است. در «نقد زیبایی‌شناسانه ساختار حکایات بوستان با تکیه بر نظریه‌های تودروف و پراپ» (یوسف‌قنبری و حسینی‌پناه، ۱۳۹۵)، ضمن تحلیل ریخت‌شناسی حکایات تمثیلی از بوستان براساس الگوی روایی تودروف، این نتیجه بیان شده که ژرف‌ساخت این حکایات با زیبایی و انسجام فکری پدیدآور آن ارتباط مستقیمی دارد. در «تحلیل حکایت مشت‌زن گلستان سعدی براساس نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ» (نادری‌پور و نجاریان، ۱۳۹۶)، ضمن تبیین ریخت‌شناسی این حکایت برپایه این الگو، نشان داده شده که حکایت مذکور با الگوی پراپ مطابقت دارد؛ اما خلاف نظریه پراپ که «عروسی» را خویشکاری<sup>۵</sup> می‌داند، این حکایت با خویشکاری «نجات» پایان می‌یابد. اما مرتبط‌ترین پژوهش به مقاله حاضر، «تحلیل ساختاری دو حکایت از بوستان سعدی براساس الگوهای تودروف و برمون» (کریمی، صفری و فتحی، ۱۳۹۱) است. در این پژوهش، دو حکایت از بوستان سعدی برمبنای الگوی ساختارگرایی تودروف و برمون<sup>۶</sup> تحلیل و این نتیجه حاصل شده که ساختار روایی این حکایات با نظریه مذکور منطبق است و اکثر حکایات بوستان دارای چنین ساختاری هستند. در زمینه رویکردهای تنشی

نیز، زیلبربرگ<sup>۷</sup> با تألیف کتاب *ساختار تنشی*،<sup>۸</sup> نظریه تنشی را در نشانه - معناشناسی بنیان گذاشت. فونتنی<sup>۹</sup> و زیلبربرگ نیز در کتاب *تنش و معنا*<sup>۱۰</sup> الگوی تنشی<sup>۱۱</sup> را معرفی کردند (Hebert, 2011: 58). در «الگوهای آشوبناک فرایند زایش معنا در نظام‌های زبانی و پیش‌زبانی تطبیق» (معین و پاک‌نژاد راسخی، ۱۳۹۵)، مؤلفه‌های الگوهای رفتاری آشوبناک در سیستم‌های دینامیکی غیرخطی با فرایند تولید معنا در نظام‌های زبانی انطباق داده شده است. در «تحلیل کارکرد تنشی - زبانی نور و ابعاد معنایی آن در نظام گفتمانی شرق اندوه و حجم سبز سپهری» (کنعانی، ۱۳۹۶)، کارکرد نظام تنشی، لایه‌های تنشی و ابعاد معنایی نور در زبان شعر سپهری با تکیه بر این دو منظومه تبیین و تحلیل شده است. در «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره قارعه با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی» (پاکتچی، شعیری و رهنما، ۱۳۹۴)، ضمن تبیین ساختار تنشی سوره قارعه، این الگو در مطالعات قرآنی به کار بسته شده است. در «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه - معناشناختی ماهی سیاه کوچولو» (عباسی و یارمند، ۱۳۹۰)، فرایندهای تنشی این داستان مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات نام‌برده در این است که مقاله حاضر الگوی نشانه - معناشناسی گفتمانی را برای تحلیل انتخاب کرده و قصد دارد نظام‌های گفتمانی کنشی و تنشی را برپایه رابطه میان صورت و محتوا مورد تحلیل قرار دهد و از این رهگذر، فرایند شکل‌گیری و تغییر معنا را در حکایت مورد نظر بررسی کند که در نوع خود از نخستین کوشش‌ها در این حوزه است.

## ۲. چارچوب نظری

مکتب شکل‌گرایی روسی<sup>۱۲</sup> با نظریه پژوهشگرانی چون آیخن‌باوم<sup>۱۳</sup> و شکلوفسکی<sup>۱۴</sup> به‌اوج خود رسید. این محققان درباره نقش‌ویژه‌های داستانی، موتیف<sup>۱۵</sup>، طرح و کنش‌های داستانی پژوهش‌های مفصلی انجام داده (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۵) و ضمن بررسی دقیق شکل‌های روایت، نقش راوی را در آن مشخص کرده‌اند. بنابه نظر آنان، «داستان

شمای بنیادین روایت، منطق نهایی تمامی کنش‌ها، قاعده اصلی ارتباطها و حضور شخصیت‌ها، جریان کامل رخدادها و حرکت مشروط به زمان روایت است» (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۳). برپایه این، اغلب نظریه‌پردازان ساختارگرایی بر لزوم نظریه‌ای با هدف طبقه‌بندی و توصیف علمی و معین ادبیات داستانی و حکایت‌های روایی تأکید می‌ورزند و تلاش می‌کنند تا به ساختار روایی همه آن‌ها دست یابند. این رویکرد زمینه تحول نشانه‌شناسی را به نشانه‌شناسی روایی پراپ فراهم کرد. پراپ نظریه‌پرداز برجسته در حوزه فولکلور روسی بود که با تمرکز بر داستان‌های پریان و نیز شعر حماسی، ساختار این قصه‌ها را بررسی و تبیین کرد و بر مبنای آن کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان را نگاشت (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۴۳-۳۴۷). اهمیت این پژوهش تا جایی است که مطابق نظر یاکوبسن<sup>۱۶</sup> می‌توان گفت: «روایت‌شناسی به معنای دقیق واژه با کتاب پراپ آغاز شده است» (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). از دیدگاه پراپ (۱۳۸۶: ۴۹)، ریخت‌شناسی قصه یعنی توصیف قصه‌ها برپایه اجزای سازنده آن‌ها و هم‌بستگی این سازه‌ها با یکدیگر و با کل قصه. پراپ ضمن مقایسه پی‌درپی کارکردهای حکایت‌ها کشف کرد که کارکردهای این قصه‌ها هرگز از ۳۱ مورد تجاوز نمی‌کند و در هر حکایت هر تعداد از این ۳۱ کارکرد که وجود داشته باشد، این کارکردها معمولاً به همان ترتیب می‌آیند (اسکولز، ۱۳۷۹: ۹۶). گِرمس<sup>۱۷</sup> از این نظریه الگو می‌گیرد و بعدها آن را به یک روش‌شناسی روایی گسترده و منسجم بدل می‌کند. گِرمس در مطالعات اولیه خود در دهه شصت و هفتاد میلادی، با طرح مباحث مربوط به روساخت و ژرف‌ساخت گفتمانی، رویکردی گفتمانی را بنیان می‌گذارد که بیشتر ساختارگراست. در این روش، با مطالعه فرایندی نظام زبان مواجه هستیم که در آن، میان دو پلان زبانی صورت بیان و صورت محتوا ارتباط برقرار می‌شود (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: ۵). این نگاه سپس متحول می‌شود و با پیوند به نگاه‌های پسا ساختارگرایی، نشانه‌شناسی گفتمانی را شکل می‌دهد که نشانه - معناشناسی نامیده می‌شود. در دیدگاه گفتمانی، دیگر رابطه‌ای مستقیم میان دال و مدلول وجود ندارد؛ بلکه با حضور ادراکی - حسی و عاطفی کنشگر

این رابطه به هم می‌ریزد و در نتیجه آن، این بار میان دو پلان بیان (صورت) و محتوا نوع ویژه‌ای از تعامل شکل می‌گیرد. این حضور در قالب شرایط عاطفی، زیبایی‌شناختی<sup>۱۸</sup> و ادراکی - حسی نمود می‌یابد و به تعامل میان گفته‌پرداز و مخاطب منتهی می‌شود. هرچند از نگاه نظریه‌های ساختارگرایان و به‌ویژه فرمالیست<sup>۱۹</sup>ها، «وجه تمایز اثر هنری از دیگر آثار را نباید در پیوند آن با جهان خارج، هنرمند و یا مخاطب دانست بلکه باید در نظام خود اثر جست» (موران، ۱۳۸۸: ۱۸۷)، اما در نگاه‌های گفتمانی ساختارها و نشانه‌ها وضعیتی سیال و پویا پیدا می‌کنند و در نظامی فرایندی قابل تبیین هستند. بدین ترتیب، نشانه - معناها در رابطه‌های تعاملی، چالشی، تناقضی، تقابلی، تطبیقی و طردی با یکدیگر قرار می‌گیرند و همین فرایند سبب آفرینش معنا می‌شود. این مسئله فرایند تحقق و دریافت معنا را در ارتباط با نظام‌های گفتمانی قرار می‌دهد و به همین دلیل برای شرایط ادراکی - حسی، عاطفی، شوشی<sup>۲۰</sup> و زیبایی‌شناختی در فرایند معناپذیری اهمیت بسیاری قائل می‌شود.

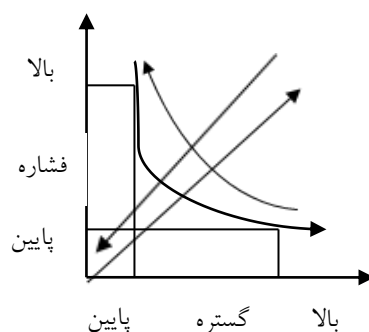
## ۲-۱. نظام کنشی

یکی از گونه‌های نظام‌های گفتمانی، گونه‌ی روایی کنشی است. «ولادیمیر پراپ، مارسل موس<sup>۲۱</sup>، کلود لوی-استروس<sup>۲۲</sup>، جرج دومزیل<sup>۲۳</sup>، رولان بارت<sup>۲۴</sup>، پل ریکور<sup>۲۵</sup> و آلژیرداس ژولین گرماس از جمله کسانی هستند که نظریه‌های مربوط به حوزه‌ی روایت کنشی را تولید [کرده] و بسط داده‌اند» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۹). در نظام روایی، «هسته مرکزی روایت را کنشی تشکیل می‌دهد که خود در خدمت تغییر وضعیت کنشگران و همچنین معناست» (همان‌جا). پس در این نظام، سه عامل کنش، تغییر وضعیت کنشگران و تغییر معنا و ارزش محور تمام فعالیت‌هاست. الگوی کنشی مورد نظر گرمس ابتدا به شکل سه آزمون آماده‌سازی، سرنوشت‌ساز و سرفرازی بود؛ اما همان‌گونه که فونتنی و زیلبربرگ نیز معتقدند، به صورت دو الگوی روایی کارکردی بازتعریف شد: ۱. قرارداد<sup>۲۶</sup>، توانش<sup>۲۷</sup>، کنش<sup>۲۸</sup> و ارزیابی<sup>۲۹</sup>؛ ۲. القا (مجاب‌سازی)<sup>۳۰</sup> یا پیمان<sup>۳۱</sup>، کنش و

ارزیابی. اگر اولویت به جفت کنشگر / کنش پذیر داده شود، پلان کنش (توانش، کنش و ارزیابی) اهمیت دارد و اگر فرایند کنش گزار و یا واکنش بین کنشگرها اولویت داشته باشد، ارزیابی تشویقی و تنبیهی طرح می شود (ر.ک: همان، ۱۸-۱۹). پس در این نظام، مفاهیمی همچون کنش، ارزش، تصاحب<sup>۳۲</sup> و تغییر اهمیت می یابد و کنشگران در ارتباط با آن ها کنشی را انجام می دهند. علاوه بر این، ابژه های ارزش محوری وجود دارد که کنشگران قصد دارند آن ها را تصاحب کنند. این امر وضعیتی گفتمانی را رقم می زند که گسست<sup>۳۳</sup> و پیوست<sup>۳۴</sup> از ویژگی های مهم آن است. ارزش ها نیز یا ارزش هایی بیرونی هستند که از بیرون به کنشگر القا می شوند و نقصان<sup>۳۵</sup> مادی را رفع می کنند یا ارزش هایی درونی هستند که با حضور هستی شناختی او پیوند می خورند و نقصان هستی شناختی را برطرف می کنند.

## ۲-۲. نظام تنشی

یکی دیگر از گونه های مهم نظام های گفتمانی نظام تنشی است. در این گونه، بنابه گفته شعیری، «تنش که ما آن را میزانی از انرژی و قدرت با دو ویژگی فشاره ای و گستره ای می دانیم، محور اصلی گفتمان را تشکیل می دهد» (همان، ۳۷). در این نظام، رابطه تقابلی به هم می ریزد و رابطه ای طیفی و درجه ای جایگزین آن می شود و همین رابطه ما را در فضایی تنشی قرار می دهد. فضای تنشی از دو منطقه فشاره ای و گستره ای تشکیل شده است. «منطقه فشاره ای منطقه ای شوشی است که سوگیری آن بر درونه های عاطفی حضور سوژه متمرکز است؛ درحالی که منطقه گستره ای منطقه ای است که سوگیری آن بر دنیای بیرونی، کمی و شناختی متمرکز است» (همان، ۴۲). بنابراین چهار وضعیت صعودی، نزولی، افزایشی و کاهش شکل می گیرد که می توان در نمودار زیر مشاهده کرد:



شکل ۱ مربع تنشی

(شعیری، ۱۳۸۵: ۳۵-۴۴)

در الگوی صعودی<sup>۳۶</sup>، هیجان و فشاره عاطفی اوج می‌گیرد و گستره شناختی کاهش می‌یابد. در الگوی نزولی<sup>۳۷</sup>، فشاره عاطفی سیری نزولی دارد و گستره شناختی افزایش می‌یابد. در الگوی افزایشی<sup>۳۸</sup>، هم‌زمان با افزایش فشاره روی محور عاطفی، گستره شناختی نیز فزونی می‌یابد. در الگوی کاهش‌گشی<sup>۳۹</sup>، با کاهش هم‌زمان گونه عاطفی و گونه شناختی مواجهیم (ر.ک: همان‌جا). پس در نظام تنشی رابطه تقابلی کنار گذاشته می‌شود و فرایندی مبتنی بر رابطه‌ای طیفی حاکم می‌شود. این رابطه‌ها نیز در بستری از شرایط ادراکی - حسی تحقق می‌پذیرند و کنشگر نیز مبتنی بر هویت هستی‌شناختی‌اش معنا و ارزش می‌یابد.

### ۳. خلاصه حکایت «در تدبیر و تأخیر در سیاست» به نثر

جهان‌گردی باتجربه، دانشمند و آداب‌دان از دریای عمان به خشکی می‌آید و به شهری می‌رسد که پادشاهی بزرگ‌منش دارد. به محض رسیدن به درگاه پادشاه و پس از تعظیم، به ستایش دادگری او می‌پردازد. سخنان نغز او مورد پسند پادشاه واقع می‌شود و در تقرب به درگاه پادشاه از دیگران پیشی می‌گیرد. پادشاه با مشاهده اخلاق نیکوی او، مقام او را بالاتر از وزیر خود می‌نشاند. رفتار منصفانه جهانگرد عیب‌جویان را به‌سستوه



می آورد؛ اما از اینکه در کار او هیچ ناراستی نمی یابند، بی تاب می شوند. وزیر قدیم هر لحظه اندوهی بر خاطرش چیره می شود از اینکه نمی تواند در کار وزیر جدید خللی بیابد. پادشاه دو غلام خدمت گزار زیبارو دارد که به تأثیر صفات اخلاقی او، شیفته اش می شوند و از سوی دیگر زیبایی آن دو غلام خدمت گزار هم بر وزیر جدید اثر می گذارد؛ اما او از آلوده شدن به هوی و هوس پاک است. وزیر پیشین پس از آگاهی از این مسئله، از روی بدنهادی آن را به گونه ای دیگر به اطلاع پادشاه می رساند و به او صفات ناروایی نسبت می دهد. پادشاه با شنیدن این سخنان ابتدا خشمگین و مصمم می شود که او را بکشد، اما شکیبایی می کند و پنهانی رفتارش را زیر نظر می گیرد. پادشاه از این رابطه آگاه می شود و او را برای این کار نکوهش می کند. جهان گرد در دفاع از خود می گوید: من به گناه آلوده نشده ام، اما چون در مسند وزیر قرار گرفته ام، او از روی حسادت بدگویی می کند و برای نابودی من از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. پادشاه به نرمی می گوید: به چشم خود دیدم که از بین انبوه جمعیت قصر فقط به چهره آن دو غلام نظر می کردی. وزیر دانشمند می خندد و پاسخ می دهد: چون من نیروی جوانی و روزگرم را با غفلت به پایان رسانده ام، با دیدن این دو غلام زیبارو نمی توانم شکیباً باشم؛ اکنون با نگاه به آن ها زندگی از دست داده ام را به خاطر می آورم و بر آن دریغ می خورم. پادشاه از شنیدن پاسخ شایسته وزیر دانشمند قانع می شود و بر مقام و رتبه او می افزاید و وزیر بداندیش را هم کیفر می کند (ر.ک: سعدی، ۱۳۸۹: ۴۶-۵۱).

#### ۴. تحلیل نشانه - معناشناختی حکایت «در تدبیر و تأخیر در سیاست»

##### ۴-۱. نظام روایی کنش محور

حکایت با توصیف صحنه ای از گذر شخصیت اصلی روایت به عنوان کنشگر از دریای عمان و ورود او به شهری در دریاوار آغاز می شود. در ادامه این شخصیت در قالب جهان گردی جهان دیده، دانشمند، دانش اندوخته و صحبت آموخته توصیف می شود. این توصیف بیانگر آن است که با نظام روایی کنشی مواجهیم و شخصیت اصلی حکایت در

مقام کنشگر ایفای نقش می‌کند. روایت با یک صحنه‌پردازی<sup>۴۰</sup> دقیق آغاز می‌شود. صحنه‌پردازی یکی از ابزارهای مؤثری است که نویسنده در خلق داستان در اختیار دارد و «شگردی است که با استفاده از آن، ضرب‌آهنگ رمان آهسته می‌شود و زمان روایی متصوراً با زمان واقعی تطبیق پیدا می‌کند» (پاینده، ۱۳۹۴: ۳۵۹). طبق نظریه پراپ، هر قصه معمولاً با یک صحنه آغازین شروع می‌شود؛ مثلاً اعضای خانواده‌ای نام برده یا قهرمان آینده با ذکر نام و موقعیتش معرفی می‌شود. این صحنه با آنکه خویشکاری محسوب نمی‌شود، عنصر ریخت‌شناسی مهمی است (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۰). بنابراین قصه‌ها هرکدام به شیوه‌ای آغاز می‌شوند. از آنجایی که «در حکایات عارفانه و اخلاقی به‌طور معمول صحنه آغازین از زبان راوی به‌تصویر کشیده می‌شود» (نادری‌پور و نجاریان، ۱۳۹۶: ۱۵۲)، صحنه آغازین (α) حکایت مورد بحث نیز از زبان راوی و به‌طور غیرمستقیم با زاویه دید سوم‌شخص بیان شده است:

ز دریای عمان برآمد کسی	سفرکرده هامون و دریا بسی
عرب‌دیده و ترک و تاجیک و روم	ز هر جنس در نفس پاکش علوم
جهان‌گشته و دانش‌اندوخته	سفرکرده و صحبت‌آموخته

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۶)

در این بخش، راوی با نوعی صحنه‌سازی، تصویری را از شخصیت و قهرمان اصلی، به‌عنوان کنشگر، ارائه می‌کند که نشانگر توانش گسترده او در کنش‌های روایی است. توانش کنشگر از قدرت زیاد او در پیشبرد روایت حکایت دارد و همین توانش سبب تغییر در آهنگ حرکت گفتمان و گذر به مراحل دیگر آن می‌شود. این امر مخاطب را با گفتمانی پویا مواجه می‌کند که مجموعه کنشگر و دیگر عوامل تشکیل‌دهنده روایت حرکتی رو به جلو دارند. در کنار این توانش گسترده، شخصیت اصلی روایت در وضعیت فقر به‌سر می‌برد که در گفتمان با عبارت «فرومانده بی‌برگ سخت» توصیف شده است:

به هیکل قوی چون تناورد درخت ولیکن فرومانده بی برگ سخت

(همان جا)

چنین وضعیتی نقصان یا نابسامانی نامیده می شود و مطابق گفته شعیری (۱۳۸۸):  
(۷۹)، اکثر قصه ها با چنین نقصانی آغاز می شوند و قهرمان قصه سعی می کند در فرایندی تحولی وضع موجود را تغییر دهد. از آنجایی که شخصیت اصلی روایت در وضعیت فقر به سر می برد و این امر او را در گسست با ثروت قرار می دهد، می توانیم او را شوشگر<sup>۴۱</sup> بنامیم؛ اما لازمه تبدیل شدن به کنشگر، غیبت شخصیت یا قهرمان (β) (جهان گرد) از مکان اصلی خود در مکان دریای عمان و ورود او به شهری در دریاکنار است.

به شهری درآمد ز دریا کنار بزرگی در آن ناحیت شهریار

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۶)

ترک مکان اصلی کنشگر و ورود به مکان مقصد یکی از کارکردهایی است که نقش مهمی در پیشبرد روایت و ایجاد شتاب در آهنگ حرکت گفتمان برعهده دارد و در بیشتر روایت ها تکرار می شود. پراپ این کارکرد را انتقال مکانی (G) می نامد. ژوزف کورتز<sup>۴۲</sup> نیز برش و گسست مکانی را در کنار برش عاملی و زمانی، یکی از انواع برش گفتمانی و یکی از زمینه های تبدیل شدن گفتمان به گفته می داند (به نقل از شعیری، ۱۳۸۸: ۵۸)؛ اما در صورتی این تغییر مکان رخ می دهد که کنشگر انگیزه ای برای دگرگونی داشته باشد. از این رو کنشگر از مکان بسته در شهر خود خارج و وارد مکانی دیگر می شود که بتواند در وضعیت خود تغییری ایجاد کند. این تغییر مبتنی بر فرایندی است که در نشانه - معناشناسی «شدن»<sup>۴۳</sup> نامیده می شود و شدن و تغییر، پایه و اساس نشانه - معناشناسی است. بنابه گفته گِرمس، معنا هنگامی پدید می آید که تغییری رخ دهد (به نقل از همان، ۸۱). از نظر فوننتی نیز، در این حالت، شدن، پیوستگی و استمرار است که در تغییر و دگرگونی به ثبت می رسد (به نقل از همان جا). اینجا نیز کنشگر از نقصان و بی برگی زندگی خود آگاه است و برای رفع آن عملی انجام می دهد.

این وضعیت از وجود تنشی در زندگی کنشگر حکایت دارد که زمینه گذر او را از وضعیت بی‌برگی به توانمندی فراهم می‌کند. این امر گفتمان را در وضعیت پویایی قرار می‌دهد که حرکت و تنش از ویژگی‌های اصلی آن است. در ادامه از جانب راوی برای کنشگر (جهان‌گرد) هویتی در نظر گرفته می‌شود که همان درویش بودن است:

که طبعی نکونامی‌اندیش داشت      سر عجز بر پای درویش داشت

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۶)

اینجا کنشگر دارای هویتی است که او را شخصیتی تجربه‌کرده، دانشمند و اهل سلوک اجتماعی معرفی می‌کند؛ اما همین هویت است که مبنایی برای تغییر می‌شود. از نظر فونتنی نیز، دو عامل «هویت» و «شدن» با قابلیت جابه‌جایی می‌توانند نقشی بنیادی یا سطحی داشته باشند: یا هویت پایه شدن است یا شدن پایه شکل‌گیری هویت جدید است (شعیری، ۱۳۸۸: ۸۳). کنشگر بر پایه هویتش سعی می‌کند در زندگی خود تغییری ایجاد کند و همین تغییر است که سبب شکل‌گیری کنش‌های گفتمانی می‌شود و این مسئله نشان می‌دهد بُعد باوری کلام تحقق یافته است. اینجا نیز پادشاه، در جایگاه شخصیت معین و یاریگر، در مقابل درویش رفتاری از سر تسلیم و عجز دارد و همین عامل معرفی‌کننده هویت کنشگر است و او را شخصیتی موجه نشان می‌دهد. آنچه در بخش پیشین «توانش» نام داشت و به وسیله آن برای کنشگر ویژگی‌هایی چون تجربه‌اندوخته، دانشمند و برخوردار از آداب معاشرت و صحبت برشمرده شد، در این بخش جنبه عملی پیدا می‌کند و در قالب نطقی شیرین و گوهرنشان و در جهت تمجید از رفتار و خوی بی‌آزاری شاه جلوه بیرونی می‌یابد. در چنین حالتی، به گفته شعیری، با تغییر وضعیت سوژه از سوژه شوشی به سوژه عمل‌گرا مواجه هستیم (همان، ۷۹).

چو بر آستان ملک سر نهاد      نیایش‌کنان دست بر بر نهاد  
درآمد به ایوان شاهنشهی      که بخت جوان باد و دولت رهی

نرفتم در این مملکت منزلی      کز آسیبت آزرده دیدم دلی  
ملک را همین مُلک پیرایه بس      که راضی نگردد به آزار کس

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۶)

رفتار عملی کنشگر سبب می‌شود تا ابتدا مورد نواخت و اکرام پادشاه قرار بگیرد. سپس انگیزه‌ای برای پادشاه ایجاد می‌شود تا برای شناخت بیشتر، از اصالت خانوادگی و زادگاه او خبرگیری کند. بدین ترتیب، کارکرد دیگری از کارکردهای مورد نظر پراپ شکل می‌گیرد که «خبرگیری» (E) نامیده می‌شود.

زرش داد و گوهر به شکر قدوم      بپرسیدش از گوهر و زادبوم

(همان‌جا)

پس از شناخت و ارزیابی فرایند کنشی توسط پادشاه، در مقام کنش‌گزار، کنشگر تقرب می‌یابد و زبردست وزیر می‌شود. این مسئله گفتمان را وارد فرایند ارزشی می‌کند. این فرایند را در قالب نمودار زیر می‌توان نشان داد:

نقصان (بحران معنا) ← فرایند کنشی ← مالکیت (تصاحب) ابژه ارزشی ← ارزش کیفی

## شکل ۲. فرایند کنشی با رویکرد ارزشی

(شعیری، ۱۳۹۵: ۲۳)

براساس این نمودار، ابتدا نقصانی برای کنشگر شکل می‌گیرد که در قالب بی‌برگی بروز می‌یابد. بی‌برگی مبنای کنشی می‌شود که نتیجه آن ترک وطن اصلی کنشگر و انتقال مکانی اوست. پس از انتقال مکانی، کنشگر از سوی پادشاه، به‌عنوان کنش‌گزار، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نتیجه ارزشی را تصاحب می‌کند که دستیابی به مقام وزارت است. مقام وزارت ارزشی کیفی محسوب می‌شود. به‌نظر شعیری (همان‌جا)، ارزش‌ها به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شود: ارزش‌های کمی ارزش‌هایی بیرونی است که به کنشگر تحمیل می‌شود و حالت مبادله‌ای دارد؛ اما ارزش‌های کیفی با حضور هستی‌شناختی کنشگر پیوند می‌یابد و وجهی درونی پیدا می‌کند. اینجا نیز هرچند نقصانی که شکل می‌گیرد جنبه کمی دارد، ارزشی که کنشگر به آن دست

می‌یابد، دیگر کمی نیست و جنبه مادی ندارد. دستیابی به مقام وزارت، همان‌طور که در گفتمان به آن اشاره می‌شود، نتیجه برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی، خردورزی، پاکیزه‌دینی، نکوسیرتی، روشن‌قیاسی، سخن‌سنجی و بزرگرایی کنشگر است. این ویژگی‌ها جنبه هستی‌شناختی دارد و به بخشی از هستی او بدل یافته است. این ارزش، ارزشی کیفی است و کنشگر به دلیل کسب این ویژگی‌ها، به مقامی دست می‌یابد که بیشتر از اینکه جنبه مادی آن مهم باشد، وجه درونی و هستی‌محور آن اهمیت دارد. در این حالت، تغییری در وضعیت کنشگر رخ نمی‌دهد؛ بلکه همان‌طور که لاندوفسکی<sup>۴۴</sup> هم به آن اشاره می‌کند، «در چنین حالتی، کنشگر موفق می‌گردد تا همانی باشد که قبلاً نیز بوده است، اما این بار به‌گونه‌ای اغراق‌آمیز» (به نقل از همان، ۲۱). گونه اغراق‌آمیز کنشگر همان آشکار شدن ویژگی‌های اخلاقی او و ممتاز شدن شخصیتش است:

ز هر نوعی اخلاق او کشف کرد	خردمند و پاکیزه‌دین بود مرد
نکوسیرتش دید و روشن‌قیاس	سخن‌سنج و مقدار مردم شناس
به رای از بزرگان مهش دید و بیش	نشاندش زبردست دستور خویش

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۷)

در این بخش از گفتمان، به مرحله ارزیابی می‌رسیم. این کارکرد شخصیت برپایه نظر پراپ، آزمایش اول قهرمان (**D1**) نامیده می‌شود و پس از موفقیت کنشگر، خویشکاری او تحقق می‌پذیرد.

به عقلش ببايد نخست آزمود	به قدر هنر پایگاهش فزود
ز هر نوعی اخلاق او کشف کرد	خردمند و پاکیزه‌دین بود مرد

(همان، ۴۶-۴۷)

این کارکرد در گفتمان روایی مبتنی بر نظریه گِرمس، ارزیابی نامیده می‌شود. به گفته شعیری (۱۳۹۵: ۶۶)، ارزیابی به دو گونه شناختی و عملی تقسیم می‌شود: در ارزیابی شناختی، نوع عمل و نتایج کسب‌شده برپایه شواهد و مدارک ارزیابی می‌شود؛ در ارزیابی عملی نیز درمورد کنشگر تصمیم‌گیری می‌شود و بر مبنای رفتار و عملکردش

پاداش می‌گیرد یا مجازات می‌شود. براساس این، ابتدا کنش و ویژگی‌های رفتاری کنشگر برمبنای ارزیابی شناختی از سوی کنش‌گزار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و پس از تأیید، برپایه ارزیابی عملی، مقام وزارت به او سپرده می‌شود و بدین‌گونه خویشکاری او تحقق می‌پذیرد. این فرایند در نمودار زیر مشاهده می‌شود:

نقصان (بحران معنا) ← توانش ← کنش ← ارزیابی شناختی ← ارزیابی عملی

### شکل ۳. فرایند روایی کنشی

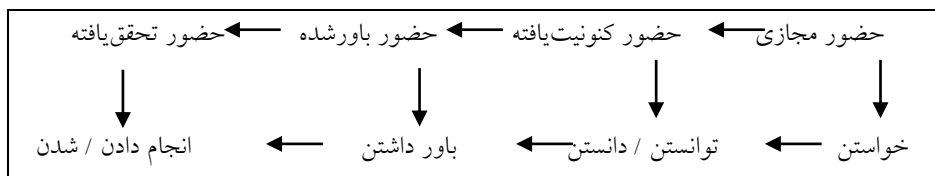
(شعیری، ۱۳۹۵: ۲۹)

برپایه این نمودار، ابتدا نقصانی در روایت شکل می‌گیرد که در قالب بی‌برگی نمود می‌یابد. سپس راوی برای کنشگر ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد که نشان‌دهنده توانش اوست. این توانش سپس جلوه بیرونی پیدا می‌کند و در قالب رفتاری از روی ادب و تواضع همراه با نطقی گوه‌رین بروز می‌یابد و پس از ارزیابی شناختی رفتار و عملکرد اخلاقی او، مورد بررسی عملی قرار می‌گیرد و مقام وزارت به کنشگر محول می‌شود. سپس کنشگر به این رفتار واکنش نشان می‌دهد و در وزارت با حکمت و از روی انصاف رفتار می‌کند. این کارکرد برپایه نظر پراپ، «واکنش قهرمان» (E) نامیده می‌شود. چنان حکمت و معرفت کار بست که از امر و نهی درونی نخست

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۷)

### ۲-۴. فرایند حضوری کنشگر

کنشگر پس از رسیدن به مقام وزارت، رفتاری مبتنی بر حکمت، معرفت و دادگری از خود نشان می‌دهد که می‌توان برپایه افعال وجهی<sup>۴۵</sup> این شیوه حضوری را تبیین کرد. کنشگر از ابتدای روایت شیوه‌های مختلفی از حضور را به‌نمایش گذاشته است و این شیوه‌ها نیز ارتباطی مستقیم با افعال وجهی دارد. این وجه حضوری در قالب فرایند زیر نشان داده است:



شکل ۴. فرایند حضوری کنشگر

(شعیری، ۱۳۹۵: ۲۸)

براساس این نمودار، در ابتدای گفتمان، کنشگر بر مبنای فعل وجهی «خواستن» تلاش می‌کند در وضعیت حضوری خود تغییری ایجاد کند؛ اما این خواستن وجهی درونی دارد و با حضور هستی‌شناختی کنشگر پیوند خورده است. این تغییر سبب کناره گرفتن کنشگر از وطن خود می‌شود و زمینه حضور او را در مکان و شرایط جدیدی فراهم می‌کند. شعیری (۱۳۹۵: ۲۶) این کنشگر را «خودخواسته» می‌نامد. در این حالت، کنشگر حضوری مجازی دارد. در ادامه با وجهی دیگر از حضور کنشگر مواجه می‌شویم که او را در آستانه کنش قرار می‌دهد. در این حالت، حضور کنشگر بر مبنای افعال وجهی «توانستن» و «دانستن» قابل تبیین است. کنشگر به دلیل تجربه‌های مختلفی که در سفرهای گوناگون کسب کرده، به میزان بالایی از توانش دست یافته است. این توانش از زبان راوی و با صفاتی همچون دانش‌اندوخته، تجربه‌دیده، سفرکرده و صحبت‌آموخته توصیف شده است. در کنار این توانش، کنشگر از حضوری دیگر نیز برخوردار است که مبتنی بر فعل «دانستن» است. کنشگر به سبب همین تجربه زیسته، به مرحله‌ای از آگاهی رسیده که بر مبنای آن، راه و رسم معاشرت با بزرگان و آداب زندگی و حکومت‌داری را می‌داند و همین آگاهی او را در آستانه کنش قرار می‌دهد. از این رو به پیروی از شعیری (همان، ۲۷)، این مرحله از کنش را می‌توان «پساآستانه» نامید. توصیف راوی در قالب واژگان جهان‌دیده، دانش‌اندوخته و صحبت‌آموخته و عبارت «ز هر جنس در نفس پاکش علوم»، این گونه حضوری را معرفی می‌کند که حضور «کنونیت یافته» نامیده می‌شود. کنشگر در این مرحله توانش و دانش لازم برای هر نوع کنشی را در اختیار دارد. در ادامه با وجهی دیگر از حضور کنشگر مواجه می‌شویم که بر مبنای باور او شکل گرفته است. در واقع ابتدا باوری در کنشگر تکوین می‌یابد و همین



باور او را ترغیب می‌کند تا تصمیمی قاطع بگیرد. این گونه حضور، حضوری «به‌باور رسیده» نامیده می‌شود. این حضور در قالب رفتاری برمبنای حکمت و معرفت و مبتنی بر بی‌آزاری تحقق می‌یابد. کنشگر براساس باور و یقینی که به آن رسیده، وزیری می‌کند. در آخرین مرحله نیز، کنشگر وجهی از حضور را نشان می‌دهد که مبتنی بر «شدن» است. این رفتار نشان می‌دهد که حضور کنشگر محقق شده است که آن را حضور «تحقق‌یافته» می‌نامیم. برپایه این، کنشگر وارد مرحله نهایی کنش خود می‌شود که نتیجه آن وزارتی برمبنای دادگری، انصاف و رضایت همگانی است.

درآورد ملکی به زیر قلم      کز او بر وجودی نیامد الم

زبان همه حرف‌گیران بیست      که حرفی بدش برنیامد ز دست

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۷)

#### ۳-۴. نظام روایی تنش‌محور

زنجیره روایی این حکایت برمبنای تنش وارد مرحله تازه‌ای می‌شود و این تنش نیز در قالب حسادت وزیر قدیم به وزیر جدید بروز می‌یابد. تنشی که اینجا شکل می‌گیرد، نتیجه تقابلی است که میان شخصیت اصلی روایت، به‌عنوان کنشگر، و شخصیت منفی یعنی وزیر، به‌عنوان ناکنشگر<sup>۴۶</sup>، رخ می‌دهد. منطقی که ناکنشگر برپایه آن رفتار خود را تنظیم می‌کند، در بستری از نظام روایی کنش‌محور پدیدار می‌شود و منطقی که کنشگر درپیش می‌گیرد، در قالب نظام روایی تنش‌محور تحقق می‌پذیرد. در این بخش از روایت، براساس نظریه پراپ، نخستین کشمکش (H1) روایت شکل می‌گیرد که همان حسادت وزیر پیشین به وزیر جدید است و در قالب غمِ نوِ وزیر کهن نمود می‌یابد:

حسودی که یک جو خیانت ندید      به کارش به تابه چو گندم تپید

ز روشن‌دلش مُلک پرتو گرفت      وزیر کهن را غم نو گرفت

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۷)

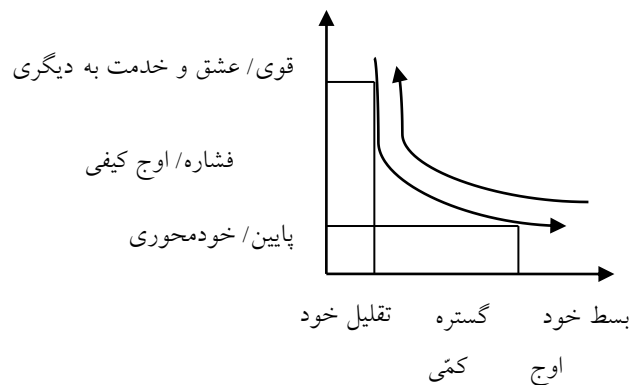
در ادامه گفتمان، این منطق بیشتر معرفی می‌شود. وزیر شریر، به‌عنوان ناکنشگر، به وزیر جدید حسادت می‌ورزد و با آگاهی از رفتار و اخلاق نیکوی وزیر کهن با ندیمان و رابطه دوستی بین وزیر و آن‌ها، برای او مشکلی ایجاد می‌کند. بنابه نظریه پراپ، این مشکل «کار دشوار نخست» (M1) نامیده می‌شود. در واقع این نوع رفتار دو وضعیت تقابلی را در گفتمان شکل می‌دهد: از یک سو وزیر شریر وجود دارد که به فکر بازگرداندن پایگاه ارزشی ازدست‌رفته خود است، در رابطه انفصالی با ابژه وزارت قرار گرفته و از این رو تمام تلاش خود را به‌کار می‌بندد تا این رابطه به رابطه اتصالی با ابژه وزارت بدل شود؛ از سوی دیگر شاهد رفتار و اخلاق نیکوی وزیر جدید هستیم که رابطه‌ای تعاملی با ابژه وزارت دارد و ابژه وزارت را ابزاری برای خدمت‌رسانی و بروز ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی می‌پندارد که این رفتار در رابطه دوستانه او با ندیمان متجلی می‌شود. این رفتار کارکردهای تقابلی را به نظام درجه‌ای و طیفی بدل می‌کند و در نتیجه نظامی دیگر را در گفتمان شکل می‌دهد که نظام تنش‌محور نامیده می‌شود. بنابراین ابژه ارزشی با شرایط ادراکی - حسی وزیر جدید، به‌عنوان کنشگر، پیوند می‌خورد و در قالب رفتار و اخلاق نیکوی او ظهور می‌یابد. سپس این رفتار مورد ارزیابی مخاطبان قرار می‌گیرد و ندیمان را دوستدار و هواخواه او می‌کند. این منطق در ارتباط با شخصیت وزیر کهن به‌گونه‌ای دیگر آشکار می‌شود و او را در رابطه تقابلی با شخصیت‌های روایت قرار می‌دهد و در نهایت سبب طرد او از سوی شخصیت‌های دیگر می‌شود:

سخن‌های دانای شیرین‌سخن	گرفت اندر آن هر دو شمشادبن
چو دیدند کاوصاف و خلقتش نکوست	به طبعش هواخواه گشتند و دوست
در او هم اثر کرد میل بشر	نه میلی چو کوتاه‌بینان به شر

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۷)

از طرفی با رفتار وزیر کهن مواجهیم که در قالب نظام کنشی قابل تبیین است. او با نقصان و نوعی بحران کمی مواجه شده که ازدست دادن ابژه وزارت است و برای رفع

آن در فرایندی مبتنی بر شناخت و برنامه، قصد دارد دوباره ابژه را تصاحب کند. از این رو وارد رابطهٔ تقابلی با وزیر جدید و دیگر شخصیت‌ها می‌شود. درمقابل کردار وزیر جدید را شاهدیم که کنش‌های او وجهی درونی پیدا کرده و با هستی او پیوند خورده است. از این رو در ارتباطی ادراکی - حسی با دیگر شخصیت‌ها قرار می‌گیرد و قصد دارد برپایهٔ هستی خود به زندگی و رفتارش معنا دهد. اشارهٔ گفتمان به سخنان دانای شیرین‌سخن و اوصاف و خلق نیکوی وزیر و اینکه عملی شیرانه انجام نداده، تأییدکنندهٔ این رفتار است. در شکل زیر این فرایند نشان داده شده است:



شکل ۵. فرایند تنشی حضور

برپایهٔ این شکل، ارزشی وجود دارد با عنوان «وزارت» که از نگاه وزیر جدید، ارزشی کیفی و از نظر وزیر کهن، ارزشی کمی است. از نظر وزیر جدید، وزارت ابزاری برای عشق به دیگران است. از این رو مفهوم عشق و خدمت به دیگری در فضای تنشی در بالاترین درجه و قوی‌ترین حالت قرار دارد. منحنی‌ای که روی محور تنشی دیده می‌شود، این وضعیت را به‌خوبی توصیف می‌کند. در واقع وزیر جدید با ابراز عشق و اخلاق نیکو به دیگری، حضوری را تجربه می‌کند که بُعدی هستی‌شناختی یافته و او را از نظر کیفی در استعلا<sup>۴۷</sup> قرار داده است؛ اما وزیر کهن پیوسته به دنبال تحقق اهداف و منافع خود است؛ به همین دلیل به پایین‌ترین درجه از میزان حضور در فضای تنشی می‌رسد. این وضعیت او را پیوسته از ساحت حضور هستی‌شناختی دور می‌کند.

وزیر کهن در ادامه فعالیت مبتنی بر برنامه‌ریزی و شناخت، از ارتباط میان وزیر و ندیمان آگاه می‌شود و از آن به عنوان حربه‌ای برای مقابله با وزیر جدید بهره می‌برد. از این رو این خبر را به‌گونه‌ای دیگر به اطلاع پادشاه می‌رساند. این کارکرد، برپایه نظریه پراپ، «خبردهی» (Φ) نامیده می‌شود.

وزیر اندرین شمه‌ای راه برد      به خبث این حکایت بر شاه برد

(سعدی، ۱۳۸۹: ۴۷)

اینجاست که رویکرد تقابلی وزیر به آشکارترین وجهی نمود می‌یابد و وزیر شریر با برنامه‌ریزی دقیق و از روی نیرنگ، شخصیت و هستی وزیر جدید را به‌سخره می‌گیرد. تأکید خود راوی بر اینکه وزیر پیشین این ماجرا را به «ناخوب‌ترین صورتی» برای پادشاه شرح می‌دهد (ر.ک: همان، ۴۸) و خطاب به او با عنوان «بدمرد»، نشانگر آن است که سخنان شریر کاملاً فریبکارانه بوده است. این کارکرد برپایه نظریه پراپ «فریبکاری» (λ) نامیده می‌شود. همچنین به‌کار بردن عبارت «که این را ندانم چه خوانند و کیست» در خطاب به وزیر و انتساب صفاتی چون «لاابالی»، «پرورده ملک و دولت نبودن»، «زندگی نابسامان»، «خیانت‌پسند»، «شهوت‌پرست» و «خیره‌رو بودن» به او (ر.ک: همان، ۴۷)، بیانگر این است که وزیر می‌خواهد از وجه هستی‌شناختی شخصیت او انتقاد کند. در این بخش از روایت، سخنان فریبکارانه وزیر شریر در حق وزیر جدید و متهم شدن او، تنش دیگری در گفتمان ایجاد می‌کند. در نتیجه پادشاه خشمگین می‌شود و حتی تصمیم به قتل وزیر جدید می‌گیرد؛ اما صبر و شکیبایی‌اش مانع از این عمل می‌شود. بنابراین تصمیم می‌گیرد به یقین برسد. از این رو کنشگر برای بار دوم توسط کنش‌گزار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و برای رسیدن به یقین، به‌طور پنهانی زیر نظر گرفته می‌شود. این ارزیابی با توجه به نظریه پراپ، «آزمایش دوم قهرمان» (D2) نامیده می‌شود.

نظر کرد پوشیده در کار مرد      خلل دید در راه هشیارمرد

(همان، ۴۸)

پس از آگاهی از وجود این رابطه، تنش وارد مرحله دیگری می‌شود. پادشاه خشمگین می‌شود و شروع به ملامت او می‌کند. این کار تنش را در گفتمان به اوج خود می‌رساند که بر پایه نظریه پراپ، به این کارکرد «کشمکش دوم» ( $H2$ ) اطلاق می‌شود. این تنش رابطه صمیمی میان پادشاه و کنشگر را به هم می‌زند. اینجا نیز وجهی از هستی کنشگر مورد انتقاد قرار می‌گیرد. اشاره گفتمان به عدول وزیر از ویژگی‌هایی مانند «خردمندی»، «امانت‌داری»، «زیرکی»، «هوشمندی» و در نتیجه نسبت دادن صفاتی چون «خیرگی» و «ناپسندی» به او، به چنین فرایندی نظر دارد:

تورا من خردمند پنداشتم	بر اسرار ملکت امین داشتم
گمان بردمت زیرک و هوشمند	ندانستم خیره و ناپسند

(همان‌جا)

در ادامه وزیر جدید نیز به دفاع از خود برمی‌آید و ضمن تأکید مجدد بر پاک بودن عرضش از این اتهام، آن را نتیجه خبث بداندیش می‌داند:

مرا چون بود دامن از جرم پاک	نیاید ز خبث بداندیش باک
به خاطر درم هرگز این ظن نرفت	ندانم که گفت اینچه بر من نرفت

(همان‌جا)

پادشاه پس از شنیدن سخنان وزیر جدید قانع نمی‌شود و به او می‌گوید: من از دشمن تو این سخنان را نشنیده‌ام، بلکه خود به چشم رفتار تو را دیده‌ام. بنابراین کاری دشوار برای قهرمان حکایت ایجاد می‌شود که بر مبنای نظریه پراپ، «کار دشوار دوم» ( $M2$ ) نام دارد. وزیر با زبان نافذش می‌کوشد پاسخ قانع‌کننده‌ای به پادشاه بدهد و خود را از این تهمت چنین مبری می‌کند: چون من نیروی جوانی‌ام را با غفلت به پایان رسانده‌ام، با دیدن این دو غلام زیبارو نمی‌توانم شکیبیا باشم؛ زیرا من هم مانند آن‌ها زیبا بودم. اکنون با نگاه کردن به آن‌ها زندگی از دست رفته‌ام را به خاطر می‌آورم و بر آن دریغ می‌خورم. بدین ترتیب، پادشاه از پاسخ وزیر قانع می‌شود و مطابق نظر پراپ،

کارکرد دیگری از کارکردهای روایت تحقق می‌پذیرد که «حل مسئله دوم» (2V) و «رفع مشکل» (K) نامیده می‌شود.

در اینان به حسرت چرا ننگرم؟ که عمر تلف کرده یاد آورم  
برفت از من آن روزهای عزیز به پایان رسد ناگه این روز نیز

(همان، ۵۰)

پادشاه پس از متقاعد شدن، وزیر را به مقامش بازمی‌گرداند. مطابق نظر پراپ، بازگشت عموماً به همان صورت‌هایی تحقق می‌پذیرد که رسیدن و درآمدن قهرمان به صحنه قصه؛ اما نیازی نیست که خویشکاری خاصی در دنبال بازگشت بیاید؛ زیرا بازگشت به‌طور ضمنی بر از میان رفتن فاصله دلالت دارد؛ اما این امر همیشه درمورد ترک کردن خانه و عزیمت نمودن صادق نیست (۱۳۸۶: ۱۱۷).

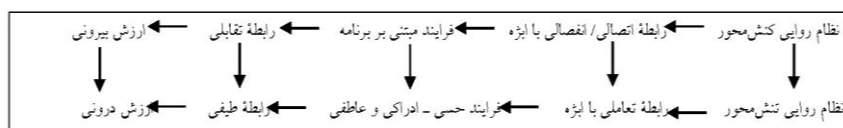
بنابراین دستیابی دوباره به مقام وزارت و ارتقای مرتبه، به‌معنای تحقق کارکرد بازگشت (↓) و رهایی و نجات (RS) از خشم و غضب پادشاه و حتی گشته شدن است. بدین ترتیب، پادشاه بر تقرب و پایگاه او می‌افزاید و در نتیجه برای کنشگر پیروزی و موفقیت حاصل می‌شود. در نهایت شاهد محقق شدن کارکرد پیروزی (I) برمبنای نظریه پراپ هستیم. این امر سبب استعلائی مرتبه پادشاه نیز می‌شود.

نکونام را جاه و تشریف و مال بیفزود و بدگوی را گوشمال  
به تدبیر دستور دانشورش به نیکی بشد نام در کشورش

(سعدی، ۱۳۸۹: ۵۰)

با توجه به بررسی‌های رفتار کنشگر و ناکنشگر تا این بخش، شاهد تحقق دو رویکرد در منطق روایت هستیم: نخست نظام روایی کنش‌محور که مبتنی بر رفتار کنشگر شریک یا ناکنشگر شکل می‌گیرد و دوم نظام تنش‌محور که منطق کنشگر را توصیف می‌کند. وزیر شریک ابتدا مقامش را ازدست می‌دهد و در گسست با ابژه وزارت قرار می‌گیرد. او برای بازگشت به مقام وزارت، در فرایندی مبتنی بر برنامه، طرحی را آماده می‌کند تا با بدنام کردن وزیر جدید، به هدفش دست یابد. از این رو در رابطه

تقابلی با وزیر قرار می‌گیرد و شخصیت او را نزد پادشاه تخریب می‌کند؛ اما به نتیجه نمی‌رسد و بدین ترتیب، وزیر مجازات می‌شود. در واقع کنش وزیر شریک برپایه برنامه‌ریزی او باید به نتیجه‌ای منجر می‌شد که تصاحب دوباره ارزش وزارت بود؛ اما به دلیل رفتار نادرست و فریبکارانه به تصاحب این ارزش منتهی نشد و تنبیه او را در پی داشت. در مقابل با منطق کنشگر روبه‌رویم. از نظر کنشگر، مقام وزارت، به‌عنوان ابژه ارزشی، وسیله‌ای برای تحقق اخلاق نیکو و خدمت و عشق به دیگران است. به همین دلیل کنشگر با این ابژه رابطه‌ای تعاملی برقرار می‌کند. این تعامل سبب می‌گردد تا او رفتار خود با دیگری را برپایه فرایندی عاطفی و ادراکی - حسی تعریف کند. بنابراین او به‌جای تقابل، به تعامل با دیگری می‌پردازد و در رفتار با دیگران به رابطه‌ای طیفی و درجه‌ای قائل می‌شود. رفتار اخلاقی وزیر سبب می‌شود تا همگان هواخواه و دوستدار او شوند. در نتیجه موفق می‌شود مقام وزارت را از آن خود کند؛ اما مقام وزارت برای کنشگر، دیگر وجهی مادی و بیرونی ندارد؛ بلکه ارزشی درونی است؛ چون با هستی او گره می‌خورد و کنشگر این مقام را وسیله‌ای برای تحقق هستی خود قرار می‌دهد. این وضعیت در نمودار زیر مشاهده می‌شود:



شکل ۶. منطق رفتاری مبتنی بر نظام کنش محور و تنش محور

(شعیری، ۱۳۹۵: ۳۹)

آنچه در این گفتمان شاهد تحقق آن بودیم، شکل‌گیری روایت از دو منظر نشانه - شناسی روایی و نشانه - معناشناسی گفتمانی است. در نشانه‌شناسی روایی مورد نظر پراب، روایت برپایه پانزده خویشکاری اصلی شکل می‌گیرد. حکایت نیز با تعادل اولیه

آغاز می‌شود، سپس این تعادل به هم می‌خورد و درنهایت به تعادل اولیه بازمی‌گردد؛ در نتیجه شاهد شکل‌گیری خویشکاری نهایی هستیم که رهایی و پیروزی کنشگر است. اما از منظر نشانه - معناشناسی گفتمانی، از سویی با نظامی کنشی مواجهیم که با نقصان آغاز می‌شود و به تصاحب ارزش به وسیله کنشگر منجر می‌گردد و از سوی دیگر با نظامی تنشی روبه‌رویم که در آن رابطه‌ای تعاملی و طیفی حاکم است و برپایه حضور ادراکی - حسی کنشگر تحقق می‌یابد و به تصاحب ارزش‌های درونی و هستی‌شناختی به وسیله کنشگر منتهی می‌شود.

#### ۵. نتیجه

در این مقاله تلاش شد تا چگونگی گذر از کنش به تنش براساس حضوری ادراکی - حسی و هستی‌شناختی تبیین شود. در ابتدا نشان داده شد که این حکایت بر الگوی ریخت‌شناسی پراپ نیز قابل تطبیق است: خویشکاری‌های مورد نظر او قابل پیگیری است؛ حکایت از تعادل اولیه به عدم تعادل و سپس به تعادل نهایی می‌رسد؛ درنهایت خویشکاری پیروزی و نجات تحقق می‌پذیرد. اما با حضور ادراکی - حسی کنشگران، وضعیت جدیدی در گفتمان رقم خورد که مهم‌ترین ویژگی‌اش سیال بودن آن است. در حکایت مذکور، دو نظام گفتمانی کنشی و تنشی شناسایی شد. در نظام کنشی، با تصویری از کنشگر مواجهیم که دارای توانش بالایی است. این توانش برای او هویتی به‌دنبال دارد که دارای وجهی هستی‌شناختی است. این هویت سبب می‌گردد تا کنش‌های جدیدی شکل بگیرد و در نتیجه سبب تغییر نظام ارزشی و تحقق ارزش‌های کیفی و هستی‌شناختی در وجود کنشگر شود. علاوه بر این، کیفیتی از حضور را ارائه می‌دهد که از حضور مجازی تا حضور تحقق‌یافته قابل طبقه‌بندی است. در واقع حضور ادراکی - حسی کنشگر موجب بروز وضعیت‌های مختلفی می‌شود. این مسئله نشان‌دهنده درونی شدن حضور برای کنشگر است. در ادامه شاهد تقابلی در گفتمان بودیم که برپایه آن، کنشگر در مقابل ناکنشگر (وزیر کهن) قرار می‌گیرد. این وضعیت نظامی



تنشی را در گفتمان ایجاد می‌کند. در یک سو با ناکنشگر روبه‌رویییم که در رابطهٔ اتصالی با ابژه قرار می‌گیرد. سپس مطابق با برنامه‌ای روایی و مبتنی بر رابطهٔ تقابلی، سعی می‌کند ارزشی را تصاحب کند که ارزشی بیرونی محسوب می‌گردد. در سوی دیگر با کنشگر مواجهیم که برپایهٔ نظامی تنش‌محور، ابتدا در رابطه‌ای تعاملی با ابژه قرار می‌گیرد. این رابطه نشان می‌دهد ابژه مورد نظر او ابژه‌ای ارزشی است. سپس در فرایندی ادراکی - حسی و عاطفی با دیگران از روی انصاف و عدالت و با منطقی دوستانه رفتار می‌کند. این امر سبب می‌گردد تا کنشگر از ارزش‌هایی برخوردار شود که وجهی هستی‌شناختی دارد و تصاحب ارزش برای او به معنای تحقق رفتاری مهرآمیز و وزارتی از سر انصاف و عدالت است.

#### پی‌نوشت‌ها

#### 1. semiotics

۲. نظام ادراکی - حسی (sensory perception) برپایهٔ سرایت حسی از یک سوژه به سوژه یا به ابژه دیگر شکل می‌گیرد. نظام مزبور بر تعاملی پویا میان دو طرف مبتنی است؛ تعاملی که در آن، دو سوی درگیر در تعامل به نوعی هم‌حسی دست می‌یابند.

#### 3. ontological

۴. در بینش پدیدارشناختی (phenomenological) که مبانی آن را گِرمس در کتاب *دریاب نقصان معنا (De L'Imperfection)* طرح می‌کند، ارتباط ادراکی - حسی و درهم‌آمیختگی سوژه و ابژه، از مبانی اساسی به‌شمار می‌رود. در این رویکرد، سوژه با «خود پدیده‌ها» و یا اصل آن‌ها مواجه می‌شود. بر این اساس، سوژه در جریانی ادراکی - حسی، لحظه‌ای را تجربه می‌کند که در آن هر پدیده‌ای از اصل وجود سرچشمه می‌گیرد.

#### 5. function

#### 6. C. Bremond

#### 7. C. Zilberberg

#### 8. *La Structure Tensive*

#### 9. J. Fontanille

#### 10. *Et Signification Tension*

#### 11. tensive model

#### 12. the rassian formalist

13. B. Ejkenbaum
14. V. Shklovsky
15. motif
16. R. Jakobson
17. A.J. Greimas
18. aesthetic
19. formalist

۲۰. در نظام شَوِشی (state)، کنش به‌حاشیه رانده می‌شود و معنا در بافت گفتمانی و مبتنی بر شرایط عاطفی و ادراکی - حسی شَوِش‌گر و عوامل گفتمانی تحقق می‌پذیرد. شَوِش‌گر نیز عاملی است که در رابطه ادراکی - حسی و پدیداری با هستی و ابژه‌های دیگر قرار می‌گیرد. شَوِش (از مصدر شدن) یا توصیف‌کننده حالتی است که عاملی در آن قرار دارد یا بیان‌کننده وصال عاملی با ابژه یا گونه‌ای ارزشی است (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۱۲).

21. M. Mauss
22. C. Lévi-Strauss
23. G. Dumézil
24. R. Barthes
25. P. Ricoeur
26. contrat
27. competence
28. performance
29. evaluation
30. manipulation
31. contract
32. appropriation
33. disjunction
34. conjunction
35. lack
36. ascending
37. decadence
38. amplification
39. attenuation
40. setting
41. subject state
42. J. Courtés
43. state
44. E. Landowski
45. modal
46. non- subject
47. transcendance

## منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۸). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱). دستور زبان داستان. اصفهان: فردا.
- اسکولز، رابرت (۱۳۷۹). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: آگاه.
- پاکتچی، احمد، حمیدرضا شعیری و هادی رهنما (۱۳۹۴). «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره قارعه با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی». جستارهای زیبایی. د ۶. ش ۴. (۲۵). صص ۶۸-۳۹.
- پاینده، حسین (۱۳۹۴). گشودن رمان: رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی. تهران: مروارید.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- رشیدی، ناصر و ایوب انصاری (۱۳۹۰). «بررسی ساخت کلان (چارچوب فکری) حکایات بوستان سعدی براساس رویکرد زبان‌شناختی صورت‌گرا». ادب و زبان. دوره جدید. ش ۲۹. صص ۱۳۳-۱۵۶.
- سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۸۹). بوستان. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان. تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵). نشانه - معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- \_\_\_\_\_ و ترانه وفایی (۱۳۸۸). راهی به نشانه - معناشناسی سیال: با بررسی موردی ققنوس نیما. تهران: علمی و فرهنگی.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات (درس‌گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌گرایان روس). تهران: سخن.

- عباسی، علی و هانیه یارمند (۱۳۹۰). «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه - معناشناختی ماهی سیاه کوچولو». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. د. ش ۳ (۷). صص ۱۴۷-۱۷۲.
- کریمی، پرستو، جهانگیر صفری و امیر فتحی (۱۳۹۱). «تحلیل ساختاری دو حکایت از بوستان سعدی براساس الگوهای تودروف و برمون». زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. س ۴. ش ۱۳. صص ۱۰۵-۱۲۸.
- کنعانی، ابراهیم (۱۳۹۶). «تحلیل کارکرد تنشی - زبانی نور و ابعاد معنایی آن در نظام گفتگمانی شرق اندوه و حجم سبز سپهری». جستارهای زبانی. د ۸. ش ۲ (۳۷). صص ۲۵-۵۲.
- معین، مرتضی‌بابک و کامران پاک‌نژاد راسخی (۱۳۹۵). «الگوهای آشوبناک فرایند زایش معنا در نظام‌های زبانی و پیش‌زبانی تطبیق». جستارهای زبانی. د ۷. ش ۷ (۳۵). صص ۱۵۱-۱۷۱.
- موران، برنا (۱۳۸۸). نظریه‌های ادبیات و نقد. تهران: نگاه.
- نادری‌پور، منصور و محمدرضا نجاریان (۱۳۹۶). «تحلیل حکایت مشت‌زن گلستان سعدی براساس نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. د ۸. ش ۲ (۲۸). صص ۱۴۱-۱۶۳.
- یوسف‌قنبری، فرزانه و فرحناز حسینی‌پناه (۱۳۹۵). «نقد زیبایی‌شناسانه ساختار حکایات بوستان با تکیه بر نظریه‌های تودروف و پراپ». زیبایی‌شناسی ادبی. س ۱۳. ش ۲۹. صص ۱۲۵-۱۴۲.
- Hebert, L. (2011). *Tools for Text and Image Analysis: An Introduction to Applied Semiotics*. Translated from the French by Julie Tabler . Version 3: 13/10/2011, <http://www.signosemio.com/documents/Louis-Hebert-Tools-for-Texts-and- Images. pdf>.

## The Analysis of the Action and Tension Narrative System in an Anecdote of Sa'di's *Boostan*: A Semiotics Approach

Omid Vahdanifar<sup>\*1</sup>, Ebrahim Kanani<sup>2</sup>

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Bojnord University, Bojnord, Iran
2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran

Received: 24/06/2019

Accepted: 30/10/2019

### Abstract

In *Boostan*, Sa'di expresses his thoughts and it has a significant place among his works in terms of story writing. There are anecdotes in this work which could be studied through contemporary structuralism and even post-structuralism theories of narrative. One of these anecdotes is the story of "in deception and politics" from the first chapter. It is important so far as characterization, agents, actions, functions, values, tensions, motivations and movements are concerned. These features establish the structure of the narrative in relation to action and tension discourses that can be explained through semiotics. In semiotics, the interaction between the domain of form and content, the relationship between the signifier and the signified, and the interaction between the narrator and the reader are examined through mediators such as emotional, aesthetic, and perceptual-sensory discourses. Accordingly, in this descriptive-analytical study, firstly, the narrative of the story is described, and then the active and tension systems of this narrative are studied through the semiotics approach to explain how it is born out of a mere tense and interwoven system of confrontation which are based on hierarchical relationships, with phenomenological and ontological characteristics. In fact, the main purpose of the present study is to explain how the forms of tension and value within a confrontational and action system is based on the perceptual-sensory, emotional, interactive, and ontological processes.

**Key words:** Sa'di's *Boostan*, Semiotics, Anecdote, Action, Tension.

---

\* Corresponding Author's E-mail: o.vahdanifar@gmail.com

